

اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس^۱

وحید خندان^{*}

محمدباقر عامری نیا^{**}

قوام کریمی^{***}

چکیده

منظور از علنی بودن دادرسی این است که، افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شده، چگونگی جریان ماقوع را از نزدیک مشاهده کنند و به اجرای دقیق قوانین و وجود عدالت واقعی قضایی، اطمینان پیدا نمایند. با اجرای این اصل قضایی نیز از بیم نظارت و داوری عمومی نمی‌تواند از اختیارات قانونی خود سو استفاده کند و در نتیجه، این اصل می‌تواند به افزایش کیفیت رسیدگی و صدور احکام عادلانه در محاکم کمک به سزایی کند. با این وجود، برخی نظام‌های حقوقی معتقدند که دادگاه‌ها نمی‌توانند به ذکر عبارات کلی همانند نظم عمومی و اخلاقیات اکتفا نمایند، بلکه مکلف‌اند دلایل چنین اقدامی را به صورت شفاف به اطلاع عموم برسانند. اصل علنی بودن دادرسی، مورد توجه شارع مقدس بوده است و در منابع چهارگانه استنباط احکام (کتاب، سنت، اجماع، عقل) به طور صریح بیان شده است و مورد تأیید فقهای اسلامی نیز قرار گرفته است؛ بر طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مهم‌ترین سند حقوقی کشور است محاکمات، باید علنی برگزار شود که نشان از میزان اهمیت این مسئله در نظر قانون‌گذار داشته است؛ در حقوق انگلستان نیز بر مبنای اصل عدالت و حقوق طبیعی، اصل علنی بودن دادرسی مورد تأکید واقع شده است؛ البته در ایران به خاطر اخلال در نظم دادرسی، بعضی مواقع این اصل اجرا نمی‌شود که با در نظر گرفتن راهکارهایی از جمله مجازات برای اخلال‌کنندگان در نظم جلسه، اعم از اصحاب دعوا و حاضرین و مدیریت صحیح جلسه توسط قاضی این مشکل هم به راحتی قابل رفع می‌باشد.

کلید واژه‌ها: علنی بودن، دادرسی عادلانه، حریم خصوصی، انتشار جریان رسیدگی.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۸/۰۲/۲۹) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۱۰/۱۷)

* دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

** استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسؤول)

Mohamadamerinia@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

۱- مقدمه

علنی بودن دادرسی، وضعیتی است که در آن جلسات رسیدگی، بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی، تشکیل و اداره می‌شود. این اصل، نماد اجرای عدالت و عنصر اساسی در تضمین حق بر محاکمه عادلانه به شمار می‌رود و عدول از آن جز در موارد مصرح در قانون که تنها در شرایطی دموکراتیک و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد تلقی می‌شود؛ (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷، ۲۳) علنی بودن دادرسی به این معنی است که علاوه بر طرفین اختلاف، عموم مردم نیز حق حضور در جلسه رسیدگی را داشته باشند و بتوانند از چگونگی اجرای عدالت در مراجع حل اختلاف، آگاهی یابند. این امر علاوه بر ایجاد امکان پایش دادرسی توسط افکار عمومی، نشانه اعتماد به نفس نهاد رسیدگی‌کننده نیز هست. (شمس، ۱۳۸۶، ۲، ۳۴۴) امروزه اصل علنی بودن دادرسی، یکی از معیارهای اساسی و بنیادین دادرسی عادلانه قلمداد می‌شود زیرا همان‌گونه که گفته‌اند کافی نیست که عدالت به مرحله اجرا درآید، بلکه لازم است اعمال عدالت، ملموس و رؤیت شدنی باشد. (آشوری، ۱۳۸۳، ۳۴۴)

با ملاحظه ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱، مشخص می‌شود که اسناد مزبور، علنی بودن جریانات دادرسی را در واقع در دو مرحله تبیین کرده‌اند؛ یکی در مرحله فرایند رسیدگی و دیگری در مرحله اعلام حکم؛ و این خود به مراتب بر اهمیت اصل علنی بودن دادرسی می‌افزاید زیرا علنی بودن احکام صادره از مراجع دادرسی این مزیت را دارد که اجرای عدالت را علنی و عمومی کرده و دقت در آرا و نقد آن را میسر می‌سازد. وقتی حکمی به صورت علنی صادر می‌شود، تمامی صاحب‌نظران می‌توانند به نقد این رأی پرداخته و در بهبود وضعیت قضایی کشور، نقش مهمی ایفا کنند. (رزاقی، ۱۳۸۹، ۹۳)

در حقوق ایران، اصول دادرسی عادلانه که یک نمونه از آن اصل علنی بودن دادرسی است از فقه نشأت گرفته است؛ عادلانه بودن دادرسی از شاخصه‌های عدالت مولای متقیان علی (ع) بوده که در نهج البلاغه نمونه‌های زیادی از اجرای این اصل وجود دارد؛ به موجب آیه ۵۸ سوره نساء باید هر امری از امور

۱- بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به هر اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی علنی و منصفانه توسط دادگاه صالح، بی طرف و مستقل در مدت معقول انجام شود. نتیجه دادرسی باید به صورت علنی اعلام شود، اما امکان برگزاری غیرعلنی تمام یا قسمتی از جریان محاکمه نسبت به مردم و مطبوعات وجود دارد. حفظ نظم عمومی، اخلاق یا امنیت در جامعه دموکراتیک، منافع صغار، حفظ جان طرفین دادرسی و همچنین نظر دادگاه در اوضاع و احوالی که علنی بودن محاکمه ممکن است به مصالح عدالت لطمه وارد آورد، از مواردی است که غیرعلنی بودن محاکمه را توجیه می‌کند.

حکومت بر موازین عدالت، یعنی بر مبنای قانون اسلام و حکم شرعی باشد. اگر قرآن کریم و روایات و احادیث پیامبران و امامان را مرور کنیم متوجه اهمیت دادرسی عادلانه و این که تا چه حد خداوند به این امر تاکید فرموده می‌شویم. اصل علنی بودن در منابع چهارگانه استنباط احکام (کتاب، سنت، اجماع، عقل) به طور صریح بیان شده است؛ در حقوق ایران براساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن، منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ / ۱۲ / ۱۳۹۲ نیز مقرر می‌کند: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. در حقوق انگلیس، دکترین انصاف، متأثر از مفهوم عدالت طبیعی است و دو شاخصه حق استماع و بی طرفی جزو لاینفک حق دادخواهی است. با توجه به موارد گفته شده، سؤال اصلی در این پژوهش این است که اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس به چه صورت است؟

۲- تاریخچه اصل علنی بودن دادرسی

در ایران هر چند اولین اعلامیه حقوق بشر توسط کورش هخامنشی نگاشته شده ولی، اسنادی در خصوص وجود این اصل وجود ندارد. در دوره ساسانی نیز، تنها چیزی که وجود داشت این است که از نظر اخلاقی به قاضی توصیه می‌شد که عده ای از مطلعان به قانون را به جلسه محاکمه دعوت کنند تا به منظور اجرای محاکمه درست، از نظر آنها استفاده شود. (جعفری لنگرودی، بی تا، ۴۳) اولین سندی که در خصوص اصل علنی بودن در حقوق ایران موجود است، متمم قانون اساسی مشروطه می‌باشد؛ طبق اصل ۷۶ این قانون تشکیل کلیه جلسات دادرسی باید علنی برگزار شود، مگر در مواردی که علنی بودن، مخل نظم یا منافی عفت باشد. با این وجود بر خلاف استثنائات این اصل، ملاحظه می‌شود در اصل ۷۸ در مورد قرائت علنی رای، هیچ گونه استثنا و محدودیتی بیان نشده و بدین ترتیب حتی در دادرسی های سری، رای باید به طور علنی اعلام می‌شد. در اصل ۷۹ نیز قانونگذار در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی حضور هیات منصفه را ضروری و محرمانه بودن ادامه روند رسیدگی را منوط به نظر کلیه اعضا می‌دانست. پس از انقلاب مشروطه و تصویب قانون اساسی و متمم آن، جهت اجرای اهداف آن، نخستین آیین دادرسی کیفری در شهریور ۱۲۹۰ هجری شمسی تحت عنوان (قانون موقت اصول محاکمات جزایی) به تصویب رسید. (آخوندی، ۱۳۸۳، ۹۷) باتوجه به اینکه این قانون تحت تاثیر و برگرفته از آیین دادرسی کیفری فرانسه بود نظام دادرسی مختلط بر آن حاکم بود. طبق ماده ۲۴۱ این قانون (رسیدگی محکمه صلح علنی است به استثناء موارد ذیل که محاکمه بدون تماشای به عمل می‌آید: ۱. در امور راجع به امور خانواده ۲. در موارد راجع به عصمت ۳. در مواردی که علنی بودن محاکمه برخلاف اخلاق حسنه و حفظ

امنیت و انتظام مملکتی است) بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تصویب قانون اساسی به عنوان بالاترین مستند قانونی کشور، علنی بودن جلسات رسیدگی در اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ مورد تصریح و تاکید قرار گرفت.

در آیین دادرسی اسلامی مکان خاصی برای دادرسی تعیین نگردیده و قاضی حتی می توانست از خانه خود به عنوان دادگاه بهره گیرد، اما برگزاری محاکمه در مسجد از آن جهت بهتر بود که اولاً مردم بومی و غریبه به آسانی می توانستند برای دادرسی به آنجا بروند و ثانیاً مسجد از هر گونه تهمت و بدگمانی ها، نسبت به جاهای دیگر دور و برکنار بود. بیشتر فقهای شیعه با این استدلال که پیامبر و حضرت علی (ع) در مسجد به دادرسی می پرداختند آن را روا و نیکو می شمارند؛ در حالی که سه مذهب اهل سنت (مالکی، حنفی و حنبلی) بر برپایی جلسه های دادرسی در مسجد تاکید و سفارش می کنند ولی شافعیان با این استدلال که چه بسا در میان طرفین دعوا ناپاک و نامسلمان باشد، برگزاری جلسه های دادرسی در مسجد را پسندیده نمی دانند. در انتها باید یادآوری کرد که تقریباً همه فقها و حقوقدانان مسلمان گماردن حاجب در هنگام قضاوت و دادرسی را ناپسند (مکروه) می دانند. (باقرالموسوی، ۱۴۱۹، ۱۱۴)

در انگلستان، دادخواهی باز یا علنی یکی از مهم ترین اصول حقوقی است. علی رغم اجرای این اصل در محاکم، با تصویب اولین قانون آیین دادرسی مدنی انگلستان در سال ۱۹۹۸ این حق مجدداً در بخش ۳۹ قواعد CPR با استثنائاتی صراحتاً پذیرفته شد.

۳- مبانی حقوقی اصل علنی بودن در حقوق ایران

در سلسله مراتب قوانین در کشور ما، میان مقررات الزام آوری که هر یک توسط مقام صلاحیت دار آن وضع می گردد سلسله مراتبی وجود دارد، بدین نحو که قانون اساسی که حاوی اصول کلی حاکم بر خطامشی و طرز کار قوای کشور و تنظیم کننده رابطه میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان است در صدر قرار دارد. پس از آن جایگاه قانون عادی قرار دارد و سپس نوبت به آئین نامه های دولت می رسد. نحوه تقسیم قدرت میان این طبقات به گونه ای است که مقررات هر طبقه می تواند مخالف دستورات طبقه پائین تر باشد ولی نمی تواند با احکام طبقه بالاتر از خود تعارض داشته باشد. از این رو، قانون عادی نمی تواند برخلاف قانون اساسی باشد؛^۱ و آئین نامه دولت نباید مخالفتی با قانون عادی داشته باشد؛^۲ در مورد اصل علنی بودن محاکمات، قانون اساسی ما که مهم ترین سند حقوقی کشور است به آن پرداخته و

۱- اصل ۷۲ قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

۲- اصل ۱۲۸ قانون اساسی: ... تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.

این نشان از میزان اهمیت این مسئله در نظر قانون‌گذار داشته است؛ بنابراین مشخص است که در دید بنیان‌گذاران و تدوین‌کنندگان قانون اساسی برگزاری علنی جلسات محاکمه از چنان اهمیتی برخوردار بوده که لازم دیده‌اند آن را در این قانون به‌طور مستقل پیش‌بینی کنند.^۱ وجود این اصل در سلسله‌مراتب قوانین در حقوق ما نشان از موقعیت ممتاز این اصل بوده و نقض یا محدود ساختن آن، مغایر با قانون اساسی به شمار می‌رود. به دیگر سخن، هدف این بوده است که با قرار دادن این اصل در قانون اساسی، حتی قانون‌گذار نیز نتواند به آن تعرض کند و در زمره اصولی قرار گیرد که نقض آن با وضع قانون نیز میسر نگردد.

هرچند وجود استثنائات در این اصل به‌نوعی باعث باز شدن راهی جهت دور خوردن آن و وابسته شدن آن به سلیقه و رأی شخصی دادگاه شده، ولی باید گفت در این خصوص دادگاه اختیار مطلق ندارد بلکه تنها در چارچوب همین دو استثنا یعنی «مباینت علنی بودن با عفت و نظم عمومی» و «درخواست طرفین دعوی در دعاوی خصوصی» می‌تواند تصمیم بر برگزاری غیرعلنی دادگاه اتخاذ کند؛ از سوی دیگر باید گفت هرچند بسیاری از تصمیمات قضات قابل‌اعتراض و تجدیدنظرخواهی است، اما در این خصوص چنین راهکاری پیش‌بینی نشده، بنابراین در چنین مواردی لازم است قانون دقیق و جامع وضع شود تا از سوءاستفاده احتمالی مجری قانون جلوگیری شود و جای تأسف آنجاست که بگوییم در هیچ‌کدام از قوانین ما ضمانت اجرایی برای تخطی قاضی از این امر مهم پیش‌بینی نگردیده است و حتی در قانون جدید آئین دادرسی مدنی اصل علنی بودن دادرسی و استثنائات آن، برخلاف ماده ۱۳۶ قانون سابق^۲ حذف شده است. ولی به‌عنوان ضمانت اجرا باید گفت هرچند در قانون جدید نظارت بر رفتار قضات برای تصمیم قاضی بر برگزاری غیرعلنی محاکمه در مواردی که قانون چنین اجازه‌ای به وی نداده، تخلفی در نظر گرفته نشده است ولی، با توجه به ماده ۱۸ این قانون که اعلام نموده «تخلف از قوانین موضوعه که برای آن مجازات پیش‌بینی نشده با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات انتظامی درجه دو تا پنج است» شاید بتوان با استناد به این ماده با تخلف قضات در چنین مواردی برخورد کرد و یا در خصوص

۱- اصل ۱۶۵ قانون اساسی: محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.
 ۲- ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸: جلسات دادرسی علنی است مگر در موردی که علنی بودن جلسه مخل انتظامات عمومی و یا مخالف اخلاق حسنه باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند مستقلاً و یا به درخواست یکی از اصحاب دعوی و یا به درخواست دادستان قرار غیر علنی بودن جلسه را بدهد.

رأی صادره این‌طور نظر داد که چون اصل علنی بودن جلسه‌ی دادرسی، تضمینی برای قضاوت شوندگان شمرده می‌شود تا در پرتو نوعی کنترل افکار عمومی، به‌طور شفاف مورد قضاوت قرار گیرند، می‌توان آن را از اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا به درجه‌ای از اهمیت به شمار آورد که «رأی را از اعتبار قانونی بیندازد» (بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی) بنابراین فسخ یا نقص رأی به جهت مزبور قابل دفاع می‌باشد.

جدا از ضمانت اجرای ذکرشده، در تفسیر این اصل باید گفت در مواردی نیز که دادرسی برای شنیدن گواهی یکی از گواهان، دیگر گواهان را از حضور در جلسه رسیدگی منع می‌کند، به علنی بودن دادرسی خدشه‌ای وارد نمی‌شود. این برخورد به علت تضمین درستی ادای گواهی و جلوگیری از تحریف محتوای گواهی بر اثر شنیدن سخنان سایر گواهان و به تبع آن انحراف از راست‌گفتاری است؛ چنان‌که وقتی گواهی اظهارات خود را نزد دادرسی بیان کرد، می‌تواند در جلسه دادگاه بماند و بیرون نرود. لازم به ذکر است رویارویی طرفین پرونده و گواهان و پرسش از آنان از این‌جهت با علنی بودن در ارتباط است که امر رویارویی در حضور مردم سالم‌تر و شفاف‌تر صورت می‌گیرد و امکان انحراف گواهان از حقیقت و عدالت کمتر است؛ زیرا، به‌واسطه نظارت عمومی حاضران در جلسه، گواهان به راحتی اجازه انحراف از مسیر عدالت را به خود نمی‌دهند؛ پرسش از گواهان در جلسه دادگاه هم از سوی طرفین برای دادگاه فرصت مناسبی را فراهم می‌کند تا بتواند عادلانه و مستدل رأی خود را صادر کند. (نیکویی، ۱۳۸۵، ۲۲۹)

باوجود مطالب ذکرشده باید گفت: هرچند علنی بودن دادرسی حقی است برای تک‌تک افراد جامعه، با توجه به امکانات مادی محل تشکیل دادگاه، این حق محدودیت پذیر است. دادرسی تنها تا اندازه‌ای که فضای دادگاه و شمار صندلی‌های خالی موجود در آن امکان پذیرش افرادی به‌جز طرف‌های دعوا و وکیل آنان را می‌دهد، مکلف به پذیرش آنان است و البته، در پرونده‌های ویژه که افکار عمومی توجه خاصی به آن‌ها دارند، دادرسی می‌تواند دستور دهد که جلسه محاکمه در محیط بزرگ‌تری تشکیل شود تا امکان حضور افراد بیشتری از جامعه در دادگاه فراهم شود. افزون بر مردم عادی، نمایندگان رسانه‌ها نیز حق حضور در جلسه‌های علنی دادرسی را دارند. ایشان وظیفه دارند که گزارش جلسه دادرسی را به اطلاع مردمی برسانند که نتوانستند در دادگاه حضور یافته و از نزدیکی محاکمه را مشاهده کنند.

در خصوص افراد حاضر در جلسه به‌غیر از طرفین و وکلای آن‌ها باید گفت که آن‌ها در جلسه دادرسی حق هیچ اظهارنظری ندارند و در تمام طول مدت رسیدگی باید ساکت مانده و از جانب‌داری به نفع یکی از طرف‌ها خودداری کنند و نظم جلسه را برهم نزنند. با این‌حال، وجود همه‌مه، اختلال یا بی‌نظمی در نزد تماشاچیان، دلیلی برای اعلام غیرعلنی بودن رسیدگی محسوب نمی‌شود، بلکه دادرسی می‌تواند کسانی را که باعث برهم زدن نظم جلسه دادگاه می‌شوند از حضور در جلسه محروم و یا حتی توقیف نماید. از این‌رو در ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می‌نماید: «دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست‌وچهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد.»^۱ این امر نشان از توجه ویژه قانون‌گذار به برگزاری علنی محاکمات دارد و نشان می‌دهد که قضات باید تا حد امکان از برگزاری غیرعلنی جلسه رسیدگی خودداری نمایند.

۴- مبانی فقهی اصل علنی بودن دادرسی در فقه

مبنا فقهی اصل علنی بودن دادرسی اجرای عدالت است؛ معنای لغوی عدل، برابری و برابر کردن است و در عرف به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به حقوق آنها می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۱۹۲). علنی بودن دادرسی از لوازم رعایت عدالت در دادرسی است. رسول گرامی اسلام (س) به حضرت علی (ع) هنگامی که وی را برای امر قضاوت به سرزمین یمن اعزام داشتند فرمودند: «اذا حضر خصمان بین یدیک فلا تقض الا حدیما حتی تسمع کلام الآخر...» (قاسمی، ۱۴۱۱، ۹۳) این امر بیانگر پذیرش اصل تناظر که از آثار علنی بودن دادرسی است می‌باشد؛ از طرفی بیان دلایل در دادرسی اسلامی باید به صورت شفاهی انجام پذیرد تا طرفین قادر به دفاع باشند. در جرایم مربوط به حق الناس رسیدگی با وجود شرایطی ممکن است به صورت غیابی برگزار شود اما در جرایم مربوط به حق الله رسیدگی به صورت غیابی ممنوع است زیرا اصل بر رسیدگی و فصل خصومت به صورت حضوری و شفاهی می‌باشد و جواز محاکمه غیابی، امری استثنایی و استثناء بر اصل است. (محقق داماد، ۳، ۲۳۸، ۱۳۸۱) اصل علنی بودن دادرسی در سیره عملی حضرت علی (ع) کاملا مشهود بود و ما شاهد برگزاری جلسات،

۱- از این ماده نیز می‌توان پذیرش علنی بودن دادرسی را اینگونه استنباط کرد که وجود ضمانت اجرا مستلزم اجازه حضور مردم در جلسه رسیدگی و علنی بودن می‌باشد.

به صورت علنی و حضور مردم در جلسات دادرسی هستیم؛ حتی گاه امام (ع) فرمان می دادند تا مردم حاضر شوند تا قضاوتی را انجام دهند (کلینی، ۱۳۸۸، ۱۲۸)؛ ایشان در مسجد کوفه جایگاهی داشت به نام «دکه القضاء». در نامه امام علی (ع) در مورد شریح آمده: «ای شریح! در مسجد بنشین؛ زیرا این امر میان مردم به عدالت نزدیک تر است و اینکه قاضی در خانه اش به قضاوت بپردازد، موجب وهن و سبکی او خواهد شد.» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۵۸) نامه امام علی (ع) به شریح حاوی چند نکته می باشد. برگزاری جلسات دادرسی در مسجد یعنی تأکید بر علنی بودن دادرسی است. با برگزاری دادرسی به صورت علنی، قضات، مردم را ناظر بر دادرسی و صدور حکم می یابند و در نتیجه نهایت دقت را در برگزاری دادرسی عادلانه خواهند داشت. با برگزاری محاکمات به صورت علنی دستگاه قضایی کمتر آماج حمله بد خواهان قرار می گیرد و شک و شبهه درباره خروج دادرسی از عدالت را برطرف می نماید. نکته ای که مهم است، اگرچه در اسلام مسجد دارای قداست و احترام خاصی است و کارهای وهن آلود، در آن جایز نیست، ولی علنی برگزار شدن جلسات، چنان از نظر مولای متقیان علی (ع) با اهمیت بوده که باز این مسأله را بر آن ترجیح می دادند؛ اگرچه امام (ع) از تعیین محلی خاص برای دادرسی غافل نبود. چنانچه روایت شده، امام (ع) در وسط شهر، در پای دیواری، به دادرسی می پرداخت. (سیوطی، ۱۴۰۶، ۱۹۸) سیره عقلا و حکم عقل نیز برگزاری دادرسی به صورت علنی را تأیید می نمایند و بر اساس قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» مجوز محاکمات علنی در اسلام ثابت شده است.

شیخ طوسی در مبسوط (طوسی، ۱۳۵۱، ۹۰) و علامه حلی در قواعد (حلی، ۱۴۱۳، ۲۷) و مقدس اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۴، ۳۷) تأکید می کنند که بهتر است در محاکمات، علما شیعه و حتی برخی از اهل سنت حضور داشته باشند (در واقع قاضی آنها را دعوت نماید) تا چنانچه قضات نیاز به مشاوره داشتند به او مشاوره دهند تا دچار خطا و سهوی نشوند؛ از آنها پرسش نمایند تا چنانچه قضات نظر ایشان را درست دیدند از نظر خود رجوع نمایند.

شمس الائمہ سرخسی (شمس الائمہ سرخسی، ۱۴۰۶، ۸۷) و محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۸۶۶) نیز بر این امر تأکید داشته که قاضی در بین مردم و در مکانی فراخ به قضاوت بنشیند تا همه مردم بدون زحمت بتوانند به وی دسترسی داشته باشند و دربان گذاشتن را از آداب مکروهه در حین دادرسی می دانند. از کلام این دو فقیه می توان لزوم علنی بودن دادرسی را استفاده نمود. صاحب جواهر نیز چنین نظری را تا حدودی همسو با شیخ طوسی و علامه حلی دارند. فقهای اسلام فتوا یا اجماعی مبنی بر لزوم رعایت

علنی بودن دادرسی ندارند. از عبارات نقل شده به دلالت تضمینی، علنی بودن رسیدگی مشخص می‌شود. برگزاری محاکمات به صورت علنی واجب و تکلیف نیست، اما با عنایت به سیره عملی ائمه و حکم عقل و توصیه های مؤکد فقها علنی بودن، از استلزامات یک دادرسی عادلانه و منصفانه است.

با توجه به مطالب ذکر شده باید گفت که اصل علنی بودن دادرسی در منابع چهارگانه استنباط احکام (کتاب، سنت، اجماع، عقل) به طور صریح بیان شده است. در واقع باید گفت فلسفه پیش‌بینی کردن چنین اصلی قابل نقد بودن محاکمه و روند رسیدگی قضایی است؛ علنی بودن دادرسی‌ها باعث می‌شود که عملکرد قضات و دادگاه‌ها برای همگان مشخص باشد و مردم مثل ناظری بر کار قضات و دادگاه‌ها نظارت کنند. وقتی قاضی رأی خود را در معرض داوری همگان ببیند سعی خواهد کرد که به بهترین شکل به اجرای عدالت بپردازد. با برگزاری علنی محاکمات قضایی امکان تخطی قاضی از قانون تا حد زیادی سلب شده و نادیده گرفتن حقوق طرفین دادرسی اگر نگوییم به‌طور کلی منتفی خواهد شد، می‌توان گفت که لااقل با دشواری فراوانی روبه‌رو گشته و تضمینات بیشتری برای اجرای عدالت فراهم می‌شود و افراد از حداکثر حقوق خود بهره‌مند خواهند شد؛ بنابراین برای جلوگیری از انجام محاکمات به اصطلاح عامیان «فرمالیته» این اصل به وجود آمده است.

۵- مبانی اصل علنی بودن دادرسی علنی در حقوق انگلستان

ریشه، اصل و مبدأ دادخواهی عمومی یا علنی^۱ در حقوق کامن لا یافت می‌شود. دادخواهی علنی به‌طور کلی مبین نوعی از رسیدگی قضایی است که می‌بایست به‌طور باز به‌منظور دادخواهی سریع‌تر، منصفانه‌تر و شفاف صورت پذیرد. در واقع اصل دادخواهی علنی به‌سادگی مبین آن است که عدالت اقتضا این را دارد که شفافیت در استفاده از قدرت حکومتی وجود داشته باشد. بنت هام^۲ در این زمینه بیان می‌کند که «علنی بودن در واقع همان روح عدالت است»؛ علنی بودن در واقع یک نقش اساسی در قاعده حقوقی باز می‌کند. در این زمینه همان‌طوری که بینگ هام^۳ خاطرنشان می‌کند علنی بودن دادخواهی‌ها نه‌تنها برای زندگی روزمره مردم اهمیت دارد بلکه همین‌طور برای تجارت و بازرگانی نیز سرنوشت‌ساز است. در رابطه با علنی بودن محاکمات بر بازرگانی او خاطرنشان می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند در کشوری که طرفین در آن حقوق و تعهداتشان مبهم یا مردد است بازرگانی یا کسب‌وکاری را که می‌تواند

1. Publicity or Open Justice
2. Bentham
3. Bingham

شامل حجم بالایی از مبالغ پولی باشد انتخاب نماید. در این راستا همان‌طور که بنت هام به ما می‌گوید علنی بودن، نگهبانانی در مقابل ناپاکی‌ها محسوب می‌شود؛ در واقع علنی بودن محاکمات، خود قاضی را نیز در هنگام رسیدگی قضایی در معرض محاکمه شدن قرار می‌دهد؛ مجلس لردها در انگلستان نیز دادخواهی علنی را به‌عنوان یک تضمین علیه خودسری یا فردیت‌گرایی قضایی به رسمیت شناخته است و این اصل سبب حفظ اعتماد عمومی به دادگستری خواهد شد. علاوه بر این، اجرای دادخواهی علنی نقش محوری نیز در ایجاد برابری نزد قانون ایجاد می‌کند. در این راستا با شناختی که طرفین از ادعاها و شاهدان به دست آوردند ما می‌توانیم از این مقوله اطمینان حاصل کنیم که قدرت، ثروت و یا شهرت کسانی که درگیر دادخواهی هستند به آن‌ها اختیارات یا موقعیت خاصی را در دادخواهی‌ها اعطاء نخواهد کرد. همان‌طوری که بینگ هام به آن اشاره می‌کند «قانون نباید برای ثروتمند به یک شکل و برای شخص فقیر به شکل دیگری وجود داشته باشد» (Wragg, 2017, p1).

تأکید بر علنی بودن در مفاد عبارات لُرد هی وارت^۱ در پرونده‌ای در سال ۱۹۲۴ مشهود است که بیان کرد: «مشاهده مسیر طولانی رسیدگی به پرونده‌ها نشان می‌دهد که برگزاری دادخواهی به‌طور علنی به‌نحوی که بدون هیچ مانعی قابل مشاهده شدن باشد دارای اهمیت اساسی است»؛ این اصول و شرایطی که می‌تواند ضرورت وجود اصل علنی بودن از آن احراز شود توسط مجلس اعیان^۲ در پرونده Scott بر علیه Scott در سال ۱۹۱۳ و بعد از آن توسط قاضی دی پولک در پرونده دیگری بدین نحو بیان شد که: «قاعده کلی در مدیریت دادخواهی نظام حقوقی انگلستان این است که دادخواهی باید به‌صورت علنی باشد از این جهت مسیری که دادگاه در آن اتخاذ تصمیم می‌کند، نمی‌تواند از دید عموم پنهان باشد و این امر تضمینی را در برابر خودکامگی قضائی ایجاد می‌کند و سبب ایجاد اعتماد عمومی نسبت به مدیریت دادخواهی‌ها می‌شود»^۳. بر مبنای این دیدگاه جلسات رسیدگی تا آنجایی که ممکن است باید به‌صورت علنی و منصفانه برگزار شود و گزارش‌های دقیق از این رسیدگی‌ها نیز باید در دسترس عموم مردم باشد. در پرونده Storer بر علیه British Gaz در سال ۲۰۰۰ با استناد به این مقوله، دادگاه تجدیدنظر تصمیم محکمه صنعتی را نسبت به اینکه جلسه رسیدگی در یک اداره در بسته و خصوصی برگزار شده نپذیرفت. از طرف دیگر، درجایی که در راستای مدیریت دادخواهی عادلانه توسط قاضی لازم باشد و یا

1. Lord Hewart CJ

2. R v Sussex Justices, ex parte McCarthy

3. A-G V Leveiler Magazine Ltd (1979)

درجایی که مجلس یک استثناء در این زمینه قرار داده، امکان دارد در این خصوص محدودیت‌هایی وجود داشته باشد. بند ۱ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان کرده است: «در تبیین حقوق و تعهدات مدنی یا طرح هرگونه اتهام کیفری علیه افراد، هر شخصی مستحق یک جلسه دادرسی منصفانه و علنی است... رسیدگی باید به‌طور علنی برگزار شود؛ با این‌وجود حضور مطبوعات و علنی بودن رسیدگی‌ها از تمام یا بخشی از محاکمه با توجه رعایت ملاحظات اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و یا درجایی که منافع نوجوانان یا محافظت از زندگی خصوصی طرفین لازم بداند یا در شرایطی که به‌طور جدی این اعتقاد وجود داشته باشد که دادگاه در شرایط ویژه‌ای قرار دارد که علنی بودن جلسه رسیدگی علیه منافع عدالت‌خواهانه است می‌تواند محدود شود» (Ward, 2011, p232). در حقوق انگلستان حق برخورداری از یک دادرسی علنی در بخش ۳۹ قواعد CPR در نظر گرفته شده و در این مقوله پیشنهاد شده که اصل پذیرش چنین اصلی در حقوق انگلستان بحث‌برانگیز نمی‌باشد. علی‌رغم اینکه در پرونده‌های اشخاص این اصل مورد احترام واقع شده ولی در جلسات رسیدگی درباره ادعاهای کوچک، از آنجا که در اتاق قضات منطقه‌ای^۱ رسیدگی می‌شود که حاوی امکانات کافی برای حضور هر تماشاگری نمی‌باشد به‌طور کامل اجرا نمی‌شود (Osborne, 2007, p428) به‌طور کلی این موضوع که منفعت عمومی به‌طور قابل‌توجهی با دسترسی عمومی به دادگاه حاصل می‌شود مورد پذیرش همه واقع شده است. این مقوله در جملات بنتهام^۲ بدین شکل تبلور یافته که «دادرسی علنی، خود قاضی را درحالی که رسیدگی می‌کند تحت رسیدگی قرار می‌دهد».

جدای از همه اعلامیه‌های قضائی و قوانین ماهوی حقوقی، منفعت عمومی به‌طور مختصر در حقوق انگلستان با توجه به ماده ۶ از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳ مورد تأکید واقع شده است. این فاکتورها در واقع ریشه‌های CPR در دو گزارش «دسترسی به عدالت»^۴ است و شاید به‌طور کمی نیز به‌طور کنایه‌دار مربوط به قواعد جدیدی باشد که به مسئله دسترسی عمومی به دادگاه در مقررات متفرقه مربوط به جلسات استماع می‌پردازد که در بخش ۳۹ مقررات CPR مدنظر قرار داده شد. اصل کلی که در بخش ۳۹ مقررات CPR پیش‌بینی شده این است که جلسات رسیدگی علنی برگزار شود. البته بخش (۵)

-
1. District Judges Room
 2. Bentham
 3. European Convention on Human Rights
 4. Access to Justice

۳۹،۲ از این مقررات به این مقوله تأکید دارد درجایی که یکی از عناوین مشخص شده وجود داشته باشد و یا درجایی که منافع عدالت خواهانه این ضرورت را ایجاب کند، جلسه رسیدگی می تواند به طور خصوصی و غیرعلنی نیز برگزار شود که به طور موسع این موضوعات در استثنائات ماده ۶ کنوانسیون مشخص شده است. در این راستا به طور مشخص این استثنائات در مواردی که جلسه دادرسی حاوی اطلاعات محرمانه است (از جمله اطلاعات مربوط مسائل مالی شخصی) و اطلاعات عمومی که جنبه محرمانه بودن آنها ممکن است آسیب ببیند، محقق می شود. وجود این استثنائات در حقوق انگلستان درباره اصل علنی بودن دادرسی، در واقع بخشی از حق کلی دادرسی منصفانه محسوب می شود. در این رابطه باید بیان کنیم که علی رغم شناخت تقریباً جهانی از اهمیت حق محاکمه منصفانه به طور کلی و در پرونده های مدنی به طور خاص، عناصر قانونی متشکله این اصل متنوع و دائماً در حال تکامل هستند. در ادبیات حقوقی بین دو مقوله تمایز قائل شده اند: از یک طرف بین اصول اساسی آیین دادرسی مدنی که می بایستی در راستای پاسخگویی به الزامات عدالت خواهانه و یک دادرسی منصفانه وجود داشته باشند و از طرف دیگر اصول دیگری از عدالت مدنی هستند که نادیده گرفتن آنها بلافاصله منصفانه بودن دادخواهی های مدنی را به خطر نمی اندازد. از این جهت ارائه یک مفهوم جهانی از دادرسی منصفانه عملاً غیرممکن و چالش برانگیز است. به طور کلی در راستای تعیین اینکه چه چیزی حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه را در آیین دادرسی مدنی تشکیل می دهد، به اسناد بین المللی و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع داده می شود که چهل و هفت کشور اروپایی با تفاسیری به آن متعهد شده اند. به طور کلی این مقوله بیان شده است که حق محاکمه منصفانه در دادرسی های مدنی شامل: حق دسترسی به دادگاه و در نتیجه حق استماع اظهارات توسط آن دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، حق برابری سلاح ها، حق یک دادرسی علنی و همچنین حق برخورداری از دادرسی در یک زمان معقول است. (Koprivica, 2018, p3)

بنابراین مطابق استدلال فوق، دادرسی علنی یکی از عناصر اصلی تضمین یک دادرسی منصفانه است. در رسیدگی های مدنی از آنجایی که نحوه رسیدگی قاضی در معرض دید افرادی غیر از طرفین دادخواهی قرار می گیرد باعث می شود که قاضی پرونده، در هنگام قضاوت کردن، خود را نیز توسط حاضرین دادگاه در معرض قضاوت شدن ببیند که این مقوله قطعاً کمک به یک رسیدگی منصفانه تر

خواهد کرد. علاوه بر این، اصلی در اکثر کشورهای کامن لا به نام اصل دادخواهی باز^۱ در دادرسی‌های مدنی وجود دارد که بر مبنای آن دادخواهی‌ها نباید تنها انجام شوند بلکه باید آشکارا و بدون هرگونه شک و تردیدی نیز مشاهده شوند که این موضوع ویژگی اصل مدیریت دادخواهی‌ها در حوزه قضایی کامن لا است. اصل دادخواهی باز نه تنها به عنوان یک اصل فراگیر نسبت به مدیریت تصمیم‌گیری‌های قضائی و جنبه‌های مختلف آیین‌های رسیدگی عمل می‌کند بلکه تعدادی از قواعد دادخواهی علنی را نیز که به طور معمول در جریان رویدادها به وجود می‌آید، مورد توجه قرار می‌دهد که از جمله این قواعد، اولاً این است که رسیدگی‌های قضائی و اعلام تصمیمات نیز در یک محکمه علنی صورت پذیرد و ثانیاً اینکه شواهد یا همان ادله صدور حکم به کسانی که در دادگاه حضور دارند به طور علنی ارائه شود و ثالثاً هیچ چیزی از جمله رسانه‌ها نباید تهیه‌ی گزارش‌های دقیق و منصفانه از رسیدگی‌های قضائی را تحت تأثیر قرار دهند. (sland,2014,p482)

همان طوری که ملاحظه شد دادخواهی علنی یکی از اصول مهم دادخواهی و به عنوان قاعده قانون اساسی در حقوق انگلستان محسوب می‌شود که برای آن مزایای متعددی مترتب شده که سبب کارآمد جلوه دادن سیستم قضایی و دادخواهی یک نظام حقوقی خواهد شد؛ با توجه به مطالب فوق دادخواهی علنی دارای ۳ اثر است که عبارت‌اند از: ۱- دادخواهی علنی اقتضای آن را دارد که رسیدگی‌های قضایی و تصمیمات در دادگاهی عمومی انجام و اعلام شوند؛ ۲- شواهد و ادله به طور علنی به اشخاصی که در دادگاه حاضر هستند نشان داده شوند؛ ۳- هیچ کاری نباید به نحوی که منصفانه بودن و دقت گزارش‌های قضایی را مختل سازد صورت بگیرد؛ البته لازم به ذکر است قواعدی که تأکید به حق دادخواهی علنی دارند حق را به طور مطلق و بدون قید و شرط مدنظر قرار نداده‌اند؛ بلکه در شرایطی ضروری است که از پافشاری بر این اصل در راستای جلوگیری از سایر آسیب‌های مرتبط جلوگیری شود. به طور کلی دادخواهی علنی یک اصل اساسی در حقوق انگلستان و ولز محسوب می‌شود. در این راستا همان طوری که لرد دیپلوک^۲ در پرونده Attorney General علیه Leveller Magazine limited در سال ۱۹۷۹ بیان می‌کند: «به عنوان یک قاعده کلی حقوق انگلستان، اداره دادخواهی‌ها باید به طور علنی برگزار شود». اگر چنین مسیری را دادگاه اتخاذ نکند و دادخواهی آن‌ها از منظر دید عموم پنهان شود این مقوله موجب

1. Principle of Open Justice
2. Lord Diplock

خودکامگی یا فردیت قضایی خواهد شد و اعتماد عمومی را به دادگستری سلب خواهد کرد. احترام به رسیدگی‌های قضایی در دادگاه‌ها این اقتضا را دارد که این رسیدگی‌ها باید در یک دادگاه عمومی که مطبوعات و مردم حق حضور در آن را دارند رسیدگی شود و در پرونده‌های کیفری نیز باید همه دلایلی که به دادگاه ارائه شده است به اطلاع حاضرین رسانده شود؛ در این راستا از آنجایی که علنی بودن مبین ارائه گزارش‌های وسیع و منصفانه از رسیدگی‌های قضایی می‌باشد که در دادگاه در حال انجام است از این جهت اصل علنی بودن لازم می‌داند که هیچ عملی نباید این روند را مختل سازد. لرد دیلوک همچنین خاطرنشان می‌کند که بین حق مردم برای دانستن و نیاز آن‌ها بر عدالت یک رابطه متقابل وجود دارد. ایشان همچنین خاطرنشان می‌کند که حقوق کامن لا و از جمله حقوق انگلستان به این مقوله تأکید می‌کند که کامن لا برای اصل دادخواهی علنی تنها در شرایط بسیار محدودی استثناء قائل شده است و در این راستا مجلس اعیان انگلستان در سال ۱۹۷۱ بیان کرد که چنانچه: «... ماهیت یا شرایط خاصی برای رسیدگی‌ها مانند اعمال یک قاعده کلی که سبب غیرعلنی شدن دادگستری شود یا اینکه خساراتی برای سایر منافع عمومی که پارلمان حفاظت از آن‌ها را بر مبنای قواعد ماهوی لازم دانسته به وجود آید» این اصل باید کنار گذاشته شود (Dodd, 2018, p179)؛ بنابراین در حقوق انگلستان هرچند اصل دادخواهی علنی یکی از قواعد قانون اساسی و مرتبط با حقوق بشر محسوب می‌شود که باید به آن احترام گذاشته شود با این وجود در مواردی که با سایر منافع عمومی پارلمان در تعارض باشد یا اینکه سبب ورود ضرر به افراد شود رویه قضایی انگلستان برای آن استثنائاتی قائل شده است.

به‌طور کلی با توجه به مطالب فوق و آنچه نویسندگان در کتاب‌های مختلف به آن پرداخته‌اند سیستم دادگاهی انگلستان بر مبنای اصل دادخواهی باز که اصل علنی بودن جلسات رسیدگی یکی از ملزومات آن است عمل می‌کند. در رویه عملی نیز اعمال این اصل همان‌طور که به آن اشاره شد بدین معناست که در صورت عدم وجود شرایط استثنائی عموم مردم می‌توانند به اسناد کلیدی دادگاه مانند اسناد مربوط به تنظیم ادعاها و اسناد مربوط به دفاعیات خواننده دسترسی داشته باشند. علاوه بر این تمام جلسات دادگاه و محاکمات باید به‌صورت علنی برگزار شود. به همین ترتیب زمانی که دادرسی آغاز می‌شود اشخاص ثالث از جمله مطبوعات توانایی دسترسی به اظهارات مضبوط در پرونده و سایر اسنادی که در دادگاه ثبت شده‌اند را خواهد داشت. چنانچه موضوع مطروحه نزد دادگاه منجر به برگزاری جلسات محاکمه شود در طول جلسات محاکمه نیز آن‌ها همچنین می‌توانند بر تمام اسناد استفاده شده در دادگاه

مانند اظهارات شهود دسترسی داشته باشند. علاوه بر این دادگاه همچنین می‌تواند به شخص ثالثی در راستای بازرسی از برخی از اسناد دادگاه از جمله پرونده‌های کتبی و اسناد خاصی که لازم است به منظور ملاحظه اصل عدالت بررسی گردد اجازه دهد؛ بنابراین این مقوله برای هر متقاضی دادخواهی مهم است که بداند اطلاعات محرمانه‌شان با توجه به اصل علنی بودن محاکمات در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. البته اگر محرمانه بودن یک مسئله مورد تأکید باشد برخی اقدامات محافظتی می‌تواند اتخاذ شود که از جمله آن‌ها طرح درخواست از دادگاه در رابطه با محدود کردن دسترسی به چنین پرونده‌هایی و یا انعقاد یک توافق محرمانه در راستای محافظت از اطلاعات محرمانه است. با این وجود هیچ تضمینی وجود ندارد که دادگاه چنین اجازه‌ای را صادر کند. لازم به ذکر است حتی اگر دادگاه چنین اجازه‌ای را بدهد قاضی می‌تواند این محدودیت‌ها را پس از اتمام رسیدگی در دادگاه بردارد تا اسناد به طور عمومی در دسترس قرار گیرد؛ البته در موارد استثنائی، به طور مثال در پرونده‌های تجاری مربوط به مالکیت فکری و یا اطلاعات مالی شخصی، ممکن است اجازه تشکیل جلسه دادرسی به طور غیرعلنی داده شود هر چند چنین مواردی نادر است. علاوه بر این در مواردی نیز قانون، یک آئین دادرسی جدید ایجاد کرده که «رسیدگی به محتویات پرونده به طور بسته»^۱ نامیده می‌شود. در واقع قضات دارای این اختیار هستند که این مقوله را مدنظر قرار دهند که در پرونده‌های حقوقی مشخص، محتویات حساس پرونده نباید افشاء شود؛ برای مثال دلیل تحمیل شده از طریق سرویس‌های امنیتی به وسیله سرویس‌های امنیتی سایر کشورها. چنانچه قضات نسبت به اعمال این محدودیت موافقت کنند، آن‌ها می‌توانند دستور دهند که محتویات پرونده نباید افشاء شود؛ (Partington, 2015, p12) بنابراین هر چند اصل علنی بودن رسیدگی‌ها یکی از اصول آیین دادرسی انگلستان در پرونده حقوقی نیز محسوب می‌شود با این وجود این اصل مبین یک قاعده مطلق و بدون استثناء نمی‌باشد بلکه در موارد مشخصی دارای استثنائاتی است که رویه قضایی نیز آن‌ها را نیز تصدیق کرده است.

۶- مقایسه تطبیقی اصل علنی بودن در نظام‌های حقوقی

دادگاهها برای تأمین عدالت و حل اختلاف تشکیل شده‌اند؛ بنابراین در عملکرد خود باید حساس و بنیاد تشکیل خود را در نظر داشته باشند. دادگاهها مهم‌ترین نقش را در تحقق اهداف قوه قضاییه دارند و برای اینکه این اهداف بیش از پیش تأمین گردد باید برخی از اصول را رعایت کنند که سلامت رسیدگی و عدالت تصمیمات را از پیش تضمین می‌کند. یکی از ویژگی‌های یک نظام صحیح دادرسی، علنی

برگزارشدن جلسات و حضور مردم در دادرسی، است که در فقه تاکید زیادی روی این مساله شده است. علنی بودن دادرسی در فقه به خاطر برقرار کردن عدالت است که قرآن و پیامبران و امامان تاکید زیادی به این مساله داشته اند؛ در حقوق ایران نیز اصل علنی بودن دادرسی متکفل تامین دو مصلحت است، یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دیگری جلب اعتماد عمومی به اجرای عدالت. شرط علنی بودن دادرسی، نماد اجرای عدالت است، و عنصری اساسی در تضمین حق بر محاکمه عادلانه به شمار می رود. (فضائلی، ۱۳۸۹، ۳۱۴) بنابر اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد؛ در حقوق انگلیس مبنای علنی بودن دادرسی به خاطر اصل انصاف و حقوق طبیعی است. انصاف در تمام دعاوی دادگاههای انگلیس باید رعایت شود؛ انصاف در حقوق انگلیس به معنای تساوی و منصفانه بودن و عدالت است. رعایت اصل علنی بودن دادرسی و عدالت در حقوق انگلیس از حقوق مدنی رم باستان نشات گرفته است و در ایران از فقه که نشات گرفته از قرآن و احادیث امامان و پیامبران است .

در روزگاران مختلف، اصل علنی بودن دادگستری، همواره اصل قطعی شناخته می شد. در روم، دادگستری و اجرای عدالت در میدان عمومی شهر انجام می شد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در گزارشی راجع به یک پرونده، فلسفه شرط علنی بودن محاکمه را چنین توضیح داده است: «ماهیت علنی دادرسی، به تضمین محاکمه عادلانه، از طریق حمایت از طرفین دعوا علیه تصمیمات خودسرانه، کمک می کند، و جامعه را قادر می سازد تا اجرای عدالت را کنترل کند... ماهیت علنی دادرسی همراه با اعلان علنی حکم به تضمین این مهم کمک خواهد کرد که مردم مطلع شوند و در نتیجه اطمینان به اجرای عدالت تامین گردد. (فضائلی، ۱۳۹۳، ۳۱۴) از این اصل در اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر مانند ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۶۷ و ۶۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر یاد شده است. شرط علنی بودن محاکمه در اساسنامه های دادگاه های بین المللی یوگسلاوی سابق ماده (۲۱) و رواندا ماده (۲۰) پیش بینی شده بود. در سطح ملی، اغلب کشورها حق محاکمه علنی را در قوانین اساسی خود پیش بینی کرده اند، می توان به نمونه هایی همچون بند ۲ ماده ۱۴۶ قانون اساسی آلبانی، ماده ۱۹۹ قانون اساسی اکوادور و ماده ۹۰ قانون اساسی اتریش اشاره کرد.

۷- نقش نظم عمومی در نسبییت اصل علنی بودن دادرسی

اگرچه مفهوم نظم عمومی در تاریخ حقوق ما (فقه اسلامی) نیز پذیرفته شده است، ولی ظاهراً نویسندگان قانون مدنی اصطلاح نظم عمومی را از ماده ۶ قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) اقتباس و در

حقوق کنونی مرسوم ساخته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱، ۱۵۸)؛ نظم عمومی شامل قواعد و سازمان‌هایی است که غرض از وضع و ایجاد آن، حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی (امور اداری، سیاسی و اقتصادی) و حفظ خانواده است و اراده افراد نمی‌تواند آن را نقض کند. (الماسی، ۱۳۸۵، ۱۸۱) ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌نماید «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر، مخالف بانظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد»؛ ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز در تأیید و تکمیل ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد، عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست. با توجه به این مواد دعاوی حقوقی که در دادگاه در حال رسیدگی باشد و مفاد آن موجب برهم خوردن نظم عمومی و اعتراضات مردم شود باید به صورت غیرعلنی برگزار شود؛ واقعیت این است که علنی بودن دادگاه فقط گاهی با امنیت عمومی منافات دارد بدین معنا که رسیدگی به بعضی مسائل در دادگاه در انظار عمومی موجب افشای موضوعاتی می‌شود که مخفی بودن آن برای حفظ امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضرورت دارد. در این خصوص به طور مثال به جهت شغل قضایی و ارتباط موضوع یک مورد از پرونده‌های خود را بیان می‌نمایم. در یک پرونده شرکتی دولتی از دادگاه الزام اداره استاندارد را به صدور مجوز ترخیص مابقی محموله ذرت دامی ارسالی از کشور برزیل را نموده، اداره استاندارد مدعی بوده که این مقدار از محموله آغشته به سم افلاتوکسین بوده که سمی بسیار خطرناک و سرطان‌زا است و هر دام یا پرندهای که از محموله مصرف کند سلول‌های سرطانی از طریق شیر یا گوشت آن دام یا پرنده وارد بدن انسان می‌شود؛ در قسمتی از دفاعیات وکلای خواهان اظهار گردیده: با توجه به اینکه محموله به صورت فله بود یا سم در کل محموله بوده و در نتیجه کل محموله نباید ترخیص می‌گردید یا اداره استاندارد غیرقانونی علی‌رغم سالم بودن محصول حاضر به صدور مجوز نبوده؛ صرف‌نظر از رأی صادره از دو جهت علنی بودن تا قبل از قطعیت رأی باعث اعتراض برخی مردم می‌گردد، اول اینکه در صورت سرطان‌زا بودن، حجم عمده محموله کشتی‌ها در کشور توزیع و مصرف شده و دوم اینکه واردکننده شرکت (دولتی) بوده که برای حفظ حقوق دولت، باید اطمینان لازم از سلامت محصول را قبل از ورود به ایران با نظارت‌های دقیق و کارشناسی کسب می‌نمود تا باعث هدر رفتن سرمایه بیت‌المال نگردد.

استثنا دیگر پرونده‌هایی است که خلاف عفت و اخلاق عمومی بوده که در ابتدا باید گفت که عفت، لغتی عربی است که از ریشه عفف به معنای مناعت و پاک‌دامنی می‌باشد. عفت چشم‌پاکی و حالتی است

که وقتی برای نفس حاصل می‌شود، انسان را از غلبه شهوت نگه می‌دارد و عقیف نیز به انسان خود نگه‌دار، پاک‌دامن، پارسا و چشم‌پاک اطلاق می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۸) عفت عمومی درجه‌ای است از عفت که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است. هنگامی که زخم و آسیبی بر پیکر پاک‌دامنی، پرهیزگاری، پارسایی و حصار حریم خانواده‌ها وارد شود، گویند که حریم عفت جریحه‌دار شده است؛ حال در پرونده حقوقی که خانمی به استناد روابط غیراخلاقی که عقد شرعی صورت نگرفته از مردی مطالبه مهریه ازاله بکارت و نفقه دوران ارتباط روابط مذکور را نموده و یا فرزند متولد از این رابطه نامشروع که درخواست ثبت مشخصات زانی را در شناسنامه خود نموده انعکاس علنی و اجازه ورود افراد عادی که موجب اطلاع مردم از این رابطه شود صحیح نبوده و قاضی مکلف است جلسه را به صورت غیرعلنی تشکیل دهد.

آخرین استثنا طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی در دعاوی خصوصی است که طرفین دعوا تقاضا کنند محاکمه علنی نباشد که در این رابطه نیز با توجه به نوع روابط حقوقی مخصوصاً در پرونده‌های تجاری که افراد قصد عدم افشای قراردادها جهت جلوگیری از سوءاستفاده شرکت‌های رقیب خود را دارند و یا پرونده‌های خانوادگی که زن و شوهر قصد ندارند حتی نزدیکان خود از مسائل شخصی خود از جمله دلیل عدم تمکین خاص زن، بیماری‌های مقاربتی زوجین و یا دلایل طلاق توافقی و... باخبر شوند حق درخواست غیرعلنی بودن جلسه رسیدگی را دارند و در این موارد نیز قاضی باید جلسه را به صورت غیرعلنی برگزار کند.

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه فلسفه دادرسی علنی، اطلاع مردم از رسیدگی‌های قضایی و ایجاد عدالت در جامعه می‌باشد نباید هیچ مانعی برای دسترسی مردم و حتی رسانه‌های ارتباط جمعی از نحوه رسیدگی به پرونده ایجاد کرد و باید بپذیریم که اجرای این اصل نه تنها باعث تضعیف دادگستری نمی‌شود بلکه اعتماد مردم به دستگاه قضایی و بالتبع حاکمیت را نیز افزایش می‌دهد. با توجه به اهمیت این اصل نظام‌های مختلف قضایی از این اصل به عنوان یک ابزار جهت کنترل قاضی در انشا و صدور رأی بهره جسته‌اند. حقوق ایران با توجه به سابقه فقهی در موضع قانون‌گذاری و همچنین وجود محاکم شرع در قبل از دوره قانون‌گذاری همسان با حقوق انگلیس بوده است. آنچه تفاوت این دو نظام را در اعمال این دو اصل از یکدیگر افتراق می‌دهد، اولاً، فلسفه و هدف این موضوع است. بدین نحو که در حقوق ایران و فقه هدف از علنی بودن رسیدگی نه تنها تحقق عدالت در اختلاف حاصله بین متداعیین است بلکه غایتی فراتر داشته و اجرای این

اصل واجد جنبه‌های اخلاقی می‌گردد و علنی بودن رسیدگی را پسندیده می‌داند. در مقابل کارکرد این اصل در حقوق انگلیس صرفاً جنبه‌های اقتصادی را در نظر داشته و فارغ از جنبه‌های اخلاقی، صرفاً سعی در شفاف‌سازی رسیدگی با توجه به خواسته‌های مردم را دارد. وجه افتراق دیگر این دو نظام نیز اولاً در تکلیف قاضی در اجرای این اصل است. بدین نحو که بر مبنای نظر مشهور در فقه اسلامی و حقوق ایران، قاضی مخیر در اجرای این اصل بوده و ضمانت اجرایی در این خصوص وجود ندارد درحالی‌که در حقوق کامن لا این موضوع به نحو الزام برای قاضی بیان شده است. ثانیاً، در مواردی استثنا است. نظام حقوقی اسلام صرفاً در موضع حفظ آبروی اشخاص، رسیدگی غیرعلنی را جایز می‌داند. هرچند مانع از محاکمه علنی افراد نمی‌گردد. در مقابل حقوق انگلیس با توجه به مباحث مطروحه در حوزه تجارت و اهمیت اسرار تجاری، ممنوعیت‌هایی در این حوزه در نظر گرفته است. ممنوعیت‌هایی که به نظر نگارنده منطقی بوده و لازم است در قوانین برای آن چاره‌اندیشی گردد. هرچند در قوانین داخلی امکان غیرعلنی بودن در محاکم با خواست متداعیین ممکن است ولی باید توجه داشت که اهمیت موضوعات تجاری می‌تواند در بسیاری از موارد ضروری باشد. لذا خلأ پیش‌بینی غیرعلنی بودن در برخی رسیدگی‌های تجاری و خاص با توجه به عدم وجود الزام به علنی بودن در مبانی فقهی و قانون، وجود دارد.

با این وجود اجرای این اصل را درجایی که مربوط به مسائل خصوصی افراد و یا امور خانوادگی است باید تا حدود زیادی بنا به اختیار اصحاب دعوا محدود کرد؛ در این خصوص پیش‌بینی ضمانت اجرایی از جمله عدم اعتبار رسیدگی صورت گرفته و تخلف انتظامی در مواردی که دادرسی بدون دلیل منطقی مانع از رسیدگی علنی می‌شود موجب می‌شود کیفیت رسیدگی جهت اجرای عدالت بالا رفته و از سوی دیگر باید به این نکته اشاره کرد که صرف امکان اخلال در نظم توسط افراد حاضر در جلسه نباید مستمسکی برای مجوز برگزاری غیرعلنی جلسات شود و با در نظر گرفتن راهکارهایی از جمله مجازات برای اخلال‌کنندگان در نظم جلسه اعم از اصحاب دعوا و حاضرین و مدیریت صحیح جلسه توسط قاضی این مشکل هم به راحتی قابل رفع می‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود، (۱۳۸۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران: انتشارات مجد.
- ۲- آشوری، محمد و دیگران، (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۳- الماسی، نجادعلی، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: انتشارات میزان.

- ۴-امیدی، جلیل و سمیه نیکویی، (۱۳۸۷)، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، پاییز، صص ۲۳-۳۷.
- ۵-جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، دایره المعارف علوم اسلامی و قضایی، جلد ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۶-..... (بی تا)، تاریخ حقوق ایران (از انقراض ساسانیان تا آغاز مشروطه)، تهران، انتشارات کانون معرفت.
- ۷-حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، جلد ۱۰، قم: انتشارات جامعه المدرسین.
- ۸-رزاقی، کیانوش، (۱۳۸۹)، استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران، نشریه کانون، شماره ۱۰۵، خرداد، صص ۸۵-۱۱۷.
- ۹-سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۶) تاریخ الخلفاء، جلد اول، بیروت: انتشارات دارصادر.
- ۱۰-شمس، عبدالله، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک.
- ۱۱-شمس الاثمه سرخسی، محمد بن احمد، (۱۴۰۶)، المبسوط، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
- ۱۲-طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۵۱)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۷ و ۸، تهران: انتشارات المکتبه الداوری.
- ۱۳-فضائلی، مصطفی، (۱۳۹۳)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۱۴-قاسمی، ظاهر، بحار الانوار، (۱۴۱۱) جلد ۲، بیروت: مؤسسه الوفا الطبعة الثانية.
- ۱۵-قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۲)، قاموس قرآن، جلد ۵، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۶-کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۷-کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، الاصول من الکافی، تعلیقات، علی اکبر غفاری، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۸-نیکویی، سمیه، (۱۳۸۵)، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان، صص ۲۱۹-۲۴۰.
- ۱۹-محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۱)، قواعد فقه، بخش قضایی، جلد ۳، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی
- ۲۰-محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۹)، شرایع السلام فی مسائل لاحلال والحرام، تحقیق سید صادق شیرازی، تهران: انتشارات استقلال.
- ۲۱-مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، آموزش عقاید، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۲۲-مقدس اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، جلد ۱۹، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۳-..... (بی تا)، زیده البیان فی الحکام القران، تهران: مکتب المرتضویه.

- ۲۴-الموسوی، محسن باقر، (۱۹۹۹) القضا و النظام القضایی عند الامام علی(ع) بیروت: الغدير.
- ۲۵-یزدی، حسین، (۱۴۰۴) الطبعة الاولى، جلد ۱۲، قم: انتشارات جامعه المدرسين.
- 26-Dodd, M., Hanna, M., (2018). McNae's Essential Law for Journalists, Oxford University Press
- 27-Koprivica H., (2018). Right to a Fair Trial in Civil Law Cases, available at: <https://www.researchgate.net/publication>
- 28-Partington, Martin, (2015), Introduction to the English Legal System 2015-2016, Oxford University Press.
- 29-Osborne, C., (2007). Civil Litigation 2007-2008, Oxford University Press.
- 30-sland, J., Gill, J.(2014). "The Principle of Open Justice and the Judicial Duty to Give Public Reasons" (2014) MelbULawRw 20; (2014) 38(2) Melbourne University Law Review.
- 31-Ward, R, Akhtar, A, (2011), Walker & Walker's English Legal System, OUP Oxford.
- 32-Wragg, P,(2017), Open Justice and Privacy, <http://eprints.whiterose.ac.uk>.

